

دیپلماسی

توافق ایران و عراق برای اجرای قرارداد الجزایر

● **ایستا:**وزیر خارجه در نشست خبری مشترک با هوشیار زبیری گفت: درباره اجرای موافقتنامه ۱۹۷۵ در زمینه ارونرود با عراق به تفاهم رسیدیم و به‌زودی این توافقنامه پس از طی مراحل قانونی در عراق به امضای دو وزیر خواهد رسید.
ظریف اضافه کرد: ما در گفت‌و‌گوهایی که انجام شد توانستیم در مورد کار در ارونرود و اجرای موافقتنامه ۱۹۷۵ به توافق برسیم و به‌زودی منتظر هستیم آقای زبیری که برای امضای این توافق که بین کارشناسان صورت گرفته است پس از طی مراحل قانونی در عراق، به تهران بیایند و این بازدید سفر دوم را هم انجام داده باشند.
زبیری نیز در این نشست تاکید کرد که «قرارداد تسلیحاتی با ایران نداریم» او همچنین خبر داد که «درباره لایروبی ارونرود توافق کردیم» روز گذشته جن ساکی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا بار دیگر ادعای قرارداد تسلیحاتی بین ایران و عراق را تکرار کرد.

ادامه از صفحه اول

قاب زندگی

ما با دیدن عکس‌های این نمایشگاه به یاد می‌آوریم که با هر گام به سوی بزرگ‌ترشدن این قابها از زندگی ما بیرون رانده شده‌اند. پاهایی که در قاب این عکس‌ها جامانده‌اند، کودگانی که در این قاب‌ها سرخ‌خوش بازی می‌کنند و می‌خنند به ما می‌گویند که ما چیز عزیزی را گم کرده‌ایم؛ چیزی به وسعت زندگی و چیزی سرشار به‌نام تخیل کودکی را. من از دیدن بسیاری از این عکس‌ها به‌جان‌زده شدم و فکر کردم من دیگر نمی‌توانم به مرز این رهایی و آزادبودن بازگردم. ما کودکی‌هایمان را در جایی باقی گذاشته‌ایم و این عکس‌ها حسرت ما می‌شوند از این جدایی و غفلت. اما می‌ماند یک نکته، بسیاری از عکس‌های این نمایشگاه عکس‌هایی هستند از دید کودکان و نوجوانانه عکس‌های آن، اما برخی عکس‌ها هم هستند که به‌وسیله کودکان، اما به تقلید از نگاه بزرگ‌ترها گرفته شده‌اند. اینجا همان جایی است که وظیفه خطیر آموزش‌دهندگان آغاز می‌شود. این کودکان و نوجوانان بایدد قاب‌های خود را بیابند نه آنچه را که در کار دیگران دیده‌اند تقلید کنند آموزش‌دهندگان باید با توجه به این نکته، آگاهی‌های لازم را در این زمینه انتقال دهند. آنها باید به‌صورت مرتب این نکته را یادآوری کنند که هر عکاس باید تجربه دیگران را مورد توجه قرار دهد اما در آخر تنها و تنها به ضبط و ثبت آن چیزی که خود را در پیچه دوربین می‌بیند اقدام کند.

مهسا جزینی؛ «محسن غرویان»، استاد حوزه علمیه قم و از مخالفان برخی افراطیون است. او که پیش‌تر عضو هیات علمی موسسه «امام خمینی» بوده، بعد از ورود این موسسه به مناقشات سیاسی از آن خارج شد. او از مدافعان «حسن روحانی» و رویکرد «اعتدالی» دولت جدید است. با غرویان درباره مخالفت‌هایی که بیشتر از سوی نزدیکان به موسسه امام خمینی و «جبهه پایداری» در برابر اقدامات دولت در حوزه داخلی و خارجی صورت می‌گیرد و جنس این مخالف‌خوانی‌ها، گفت‌وگو کرده‌ایم.

۴ دولت فعلی خیلی زود با برخی مخالف‌خوانی‌ها رویه‌رو شد. برخلاف دولت پیشین که دست‌کم چهار سال نخست خود را کاملاً از سوی جمیع اصولگرایان حمایت می‌شد. حتی در مقایسه با دولت اصلاحات هم شاید بتوان گفت که مخالفت‌ها خیلی زودتر شروع شد آن هم در حالی که دولت اعتدالی از سوی بخشی از اصولگرایان هم مورد حمایت است و همه معتقد بودند که دولت مسیر سختی را در مقایسه با دولت‌های پیشین در پیش‌رو دارد. در این شرایط شما ریشه این مخالف‌خوانی‌ها که به‌ویژه از سوی گروه‌های تندرو اصولگرا دنبال می‌شود را در چه می‌بینید؟

من ابتدا بگویم که روی کار آمدن دولت جدید از نگاه من یک انقلاب فکری فرهنگی بود که من از آن به معجزه الهی تعبیر کردم. یک تحول عادی نبود. مردم یک‌دفعه آرای‌شان متوجه ایشان شد و ریل حرکت فکری و فرهنگی جامعه تغییر کرد. آقای «احمدی‌نژاد» با پشتوانه‌ای که توسط برخی جریانات خاص هدایت می‌شد یک جریان فکری - فرهنگی افراطی را پیش برد تا جایی که فضای کشور بسیار ویژه شده بود. هشت‌سال این جریان چتر خودش را پهن کرد بود و بر سیاست غالب شده بود. یک‌دفعه مردم گویا متوجه شدند و تصمیم دیگری گرفتند. تعبیر دکتر «روحانی» در مناظره‌ها خیلی نکته داشت. همین که ایشان گفتند من حقوق‌اند نه سرهنگ، خیلی پیام داشت و مطالبی که ایشان به‌عنوان انتقاد به برخی نامزدهای دیگر داشتند نوع تفکر، بینش و نگرش آقای «روحانی» را برای مردم روشن کرد. مردم هم به سمت ایشان رفتند و رای دادند. مخالفت‌ها به این علت است که عده‌ای چنان بر اریکه قدرت سوار بودند و فکر می‌کردند بر اراده‌های مردم مسلط شده‌اند که هرگز تصورش را هم نمی‌کردند روزی مردم از چنینر قدرت آنها خارج شوند.

۴ این جریان فکری نزدیک به دولت قبلی اما این اواخر فاصله و زوایایی با آقای «احمدی‌نژاد، پیدا کرده‌بود. با وجود این باز هم معتقدید این جریان همچنان تا آخر دولت قبلی، جریان مسلط بود؟

مخالفت‌هایی که می‌شد به اصطلاح «قشری» مجازی و ظاهری بود والا آن جریان هنوز هم از همان مسیر و طیف فکری آقای «احمدی‌نژاد» حمایت می‌کنند. آنان وقتی دیدند که همه جامعه دارند می‌فهمند و خطشان را می‌شناسند، مجبور شدند یکسری مخالفت‌ها را انجام دهند و وگرنه قلبا هنوز تمایل دارند نگاه خود را حفظ کنند.

۴ به نظرمی‌رسد جنس بعضی مخالفت‌ها با دولت فعلی نه صرفا بر مبنای اعتقادی بلکه ناشی از محروم‌شدن از یکسری مزایا و منافع و پیوندهایی است که با دولت قبلی داشتند با این نگاه موافقی؟

بله؛ یکسری گروه‌هایی در دولت قبلی منافع اقتصادی داشتند اما رویشان نمی‌شد این را بگویند و در پوشش اعتقادی و با پوشش مفاهیمی مانند عدالت و توزیع ثروت می‌گفتند که این همان عدالت علوی و حکومت امام‌علی(ع) است.

توجیه می‌کردند تا مردم را به اشتباه بیندازند و به اهداف اقتصادی، سیاسی خودشان برسند. پرونده‌هایی که الان روی‌شود باطن کار آنها را تا حدودی مشخص کرده است. بنابراین اهداف اقتصادی و سیاسی و قدرت‌طلبی پشت قضیه وجود داشت.

۴ شما گفته بودید که تندروها در حال کشیدن نفس‌های آخر خود هستند و حتی پرتاب‌کفش و مهر را هم بر همین مینا تفسیر کرده بودید. من می‌خواستم

بدانم مبنای این سخنان شما چیست؟ آن هم در حالی‌که سابقه رفتارهای افراطی و تندروانه به هشت‌سال قبل محدود نبود و نیست و ما از دهه‌های قبل، سابقه این رفتارهای تندروانه را داشتیم. شاید آن زمان گروهی دیگر متصف به این رفتار بودند و مسوولیت این رفتارها متوجه آنها بود و حالا گروهی دیگر، منظورم این است که چه شواهد و نشانه‌هایی دارید که دوران آنها به پایان رسیده‌است؟

من نگفتم که اینجا کاملاً از بین رفتند یا می‌روند. گفتم نفس‌های آخر را می‌کشند. چون رای به آقای روحانی، رای به تفکری جدید است و این گروه‌های افراطی، نقطه مقابل آنها قرار دارند و پشتوانه دولت هم مردم هستند. معنای رای مردم به روحانی این است که گروه‌های افراطی اهل لنگه کفش، باید کنار روند. نفس‌های آخر یعنی در برابر خواست و میل مردم نمی‌تولند در جامعه نفس بکشند و مردم آنها را تضعیف می‌کنند.

سیاست

محسن غرویان در گفت‌وگو با «شرق»:

افراطیون به خاطر به‌خطر افتادن منافع‌شان با دولت درگیر شده‌اند

۴ بحث مهم‌تر درباره این گروه‌ها پشتوانه اقتصادی آنهاست که می‌تواند عامل بقای آنها باشد. به نظر شما دولت چه کاری می‌تواند در این زمینه انجام دهد که مجاری فعالیت اقتصادی آنها را محدود کند؟

پشتوانه اقتصادی نقش خیلی مهمی دارد. به‌اصطلاح عوام، «بی‌مایه، فطیر است». باید پول خرج کنند تا ایده و فکر خود را پیش ببرند و پول هم وقتی در دست اینها باشد برای توجیه مردم و عوام‌فریبی تفسیرهای خاص ارایه می‌دهند. مثل پخش پوستر و اطلاعیه و چاپ روزنامه و شبنامه که با ادعاهای عجیب با

هدف تخریب شخصیت‌های رقیب سیاسی انجام می‌دهند و اسمش را مقابله با بدعت می‌گذارند. من از مبانی فکری گروه‌های افراطی اطلاع دارم که در جلسات خود حتی همان پرتاب مهر و لنگه کفش از بره‌زدن سخنرانی‌ها را با استفاده از روایات توجیه می‌کنند. به افراطیون توجیه می‌دهند و دروغ می‌بینند، اما با ادعای ضرورت ریختن آبروی کسی که می‌خواهد بدعت در دین ایجاد کند، اقداماتشان را توجیه می‌کنند. نوع مبانی فکری اغلب افراطیون از این سنخ است و وقتی مبانی فکری این باشند می‌گویند وظیفه شرعی است که پول‌ها و ثروت‌ها را در همین راه‌ها صرف کنیم.

من از مبانی فکری گروه‌های افراطی اطلاع دارم که در جلسات خود حتی همان پرتاب مهر و لنگه کفش و برهم‌زدن سخنرانی‌ها را با استفاده از روایات توجیه می‌کنند. به افراطیون توجیه می‌دهند و دروغ می‌بینند

۴ مجاری اقتصادی پشتوانه این جریان کجاست؟ پروژه‌های اقتصادی که برخی حامیان این جریان تندرو دارند، منابع اصلی درآمد آنهاست. «ایک زنجان» و دیگران ایسن پول‌ها و قرارداده‌ا را چطور دریافت کرده‌اند؟ اینها از طریق همین راه‌ها درآمدهایی تحصیل می‌کنند و اسم این را می‌گذارند «بیت‌المال» که باید در راه مقابله با انحراف صرف شود.

۴ شما از برخورد‌ها و تشره‌ایی که برخی مراجع قم با این گروه‌های تندرو داشته‌اند گفته بودید. به نظر شما تا چه حد این برخورد‌ها در کنترل جریان تندرو تاثیرگذار بوده؟

وقتی بعد از حادثه ۲۲بهمن سال گذشته که آن کفش و مهرپرائی در حرم رخ داد، خیلی از مراجع در مصاحبه‌ها و اول درس‌ها تذکر دادند و صحبت کردند. می‌یادم است که یکی از مراجع با آقای لاریجانی تماس می‌گیرد و به ایشان دل‌داری می‌دهند. اینها نشان می‌دهد

که مراجع ما ممکن است در ظاهر ملاحظاتی داشته باشند که برخی حتی رسماًهم مخالفت کردندولی به‌طور آشکار، همدلی خودشان را با آقای لاریجانی یا بیت حضرت امام و حاج‌سیدحسن‌آقا بر سر برخی جریان‌هایی که رخ داد، نشان دادند. در بین مراجع هم من دیدم‌ام که آیت‌الله «جوادی آملی» یا «سبحانی» در مجالس مختلف، مخالفت آشکاری با این جریان‌های افراطی داشته‌اند.

۴ چرا با وجود مخالفت بخش زیادی از مراجع با اقدامات تند این گروه‌ها، هدف مهار تندروها تاکنون محقق نشده‌است؟

در هشت‌سال قبل چون یک طیف خاص متعادل به دولت قدرتمند بودند، توان بقا داشتند. برخی را به جمع‌مات می‌آوردند و کفن می‌پوشیدند و با هرچه موافق می‌لش‌ان نبود، مخالفت می‌کردند. اما الان جریان قدرت دولتی به‌گونه دیگری است و در برابر افراطیون هم می‌ایستند. در همان جریانات سال گذشته و قبل از آن که نسبت به برخی دیگر از بزرگان حوزه تعرضاتی شد، آیت‌الله «استادی» در نماز جمعه اعتراض کردند و گفتند که این چه وضع حوزه است که کسی پیدا می‌شود طلبه‌ها را راه می‌لن‌دازد در خیابان که علیه این و آن شعار بدهند. کسی باید حوزه را کنترل و مدیریت کند. نمی‌شود هر کسی خودش تصمیم بگیرد.

۴ اخیرا یسین خود اصولگرایان هم بحث دور کردن با دورشدن از گروه‌های افراطی مطرح شده‌است. به نظر می‌رسد آنها هم به این واقع‌گرایی رسیده‌اند که رمز مانایی در سیاست، دوری از افراطی‌گری است. نظر شما در این‌باره چیست؟

من حقیقتاً از درون مغز و دل همه اصولگرا‌ها اطلاع ندارم اما به‌عنوان یک تحلیلگر مسایل سیاسی و اجتماعی به نظر می‌رسد که فضای سیاسی غالب، تمایلی به رویکرد‌های افراطی ندارد. مگر اینکه اینها رنگ عوض کنند و در چهره و عنوان دیگری به صحنه بیایند که البته این احتیاج به مراقبت و هوشیاری مردم دارد.

۴ نوک حمله تندروها به سمت سیاست خارجی دولت است، برخی اعضای جبهه پایداری به‌شدت، منتقد توافق‌های هسته‌ای و حتی اصل «اتحاد» و بحث رابطه با آمریکا را نیز برمی‌تابند. مواضع این افراد تا چه حد صادقانه و منطقی با منافع ملی است؟

انسان وقتی عصبانی می‌شود، سخنانش از پشتوانه منطقی و استدلالی دور می‌شود. خیلی از موضع‌گیری تند آنان هم از سر عصبانیت او دور از منطق و پشتوانه استدلالی است. گاهی مواضع عجیبی اتخاذ می‌کنند؛ در این حد که چرا وزیر خارجه کشورمان، انگلیسی صحبت می‌کند.

پرسش از تاریخ

چه کسی به شاه گفت برو؟ شاه چرا نرفت؟

را ت‌کذیب نکردند پس جبهه ملی متهم به توطئه برای تغییر رژیم است.
اشکالاتی که ب‌بقای، آن روز از مصدق می‌گیرد بیشتر به بهانه‌جویی کودکانه شبیه است: «او که با پیژامه نرفته بوده دربار، با لباس رسمی رفته بوده پس کی فرصت کرده لباسش را عوض کند و با پیژامه بیاید مجلس؟ مگر عوض کردن لباس چقدر وقت می‌خواسته؟» ب‌بقای در نهایت، نمایندگانی که روز‌های قبل از ۹ اسفند با شاه دیدار داشته‌اند را متهم می‌کند که از سوی مصدق مامور بوده‌اند به شاه بگویند، برود. اما «مطمئناً» عضو فراکسیون جبهه ملی می‌گوید که رفتن آنها به دربار به دعوت شاه و برای رایزنی و حل مشکل دولت و دربار بوده است و خواسته شاه بوده که قضیه افشا شود.

اما شاه در املموریت برای وطنم» مدعی شده که روز ۹ اسفند مصدق به او توصیه می‌کند موقتاً از کشور خارج شود برای اینکه او را در اجرای سیاستی که در پیش گرفته بود آزادی عمل پیدا کنند. مصدق در خاطرات خود می‌گوید که اگر او می‌خواسته شاه از ایران برود همان ۳۰تیر زمان بهتری بود. از سویی این گفته شاه در حالی است که طبق اسناد آن روز، روزی بوده که او باید از کشور خارج می‌شده و همه‌چیز مهیای رفتن بوده است و اگر مصدق این توصیه را همان‌روز به او داشته پس چطور با آن سرعت و همان صبح نمایندگان و جمعی از مردم از این خبر مطلع می‌شوند؟ مصدق می‌نویسد: «۹صبح وزیر دربار به خانه من آمد و قرار شد که من یکونیم‌ظهر برای صرف ناهار به کاخ بروم و ساعت دوونیم هم وزرا به هنگام حرکت شاه حضور به هم رسانند.» مصدق تغییر ساعت را نقشه دربار می‌داند که می‌خواست‌اند حضورش با تجمع مردم جلو کاخ همزمان شود. حتی برخی گفتند که نقشه قتل او در همان شلوغی‌های جلو کاخ هم تدارک دیده شده بود.

مصدق همچنین معتقد است که خبر سفر شاه را پنجم‌اسفند از طریق تلفن دربار به یکی از نمایندگان می‌دهند و آن‌هم با قید محرمانه ماندن. آن نماینده هم با همین قید، خبر را به مصدق و جمعی دیگر از نمایندگان که خانه مصدق بودند می‌دهد. این درحالی است که شاه حتی پیشنهاد مخفی ماندن سفر را از آن مصدق می‌داند. مصدق این را هم ت‌کذیب می‌کند و می‌گوید که یک کلام در این خصوص صحبت نکرده چون در اموری که از مختصات سلطنت باشد دخالت نمی‌کند و همه اینها پیشنهادهایی است که ششم‌اسفند از سوی خود شاه در دربار مطرح می‌شود. مصدق از این متعجب است که چرا شاه آنچه خود فرموده بعد چند سال در کتابی به او نسبت می‌دهد. دو ذی‌نفع قایله ۹ اسفند، اگرچه حرف‌هایشان را زده‌اند اما بعد از ۱۶سال همچنان این پرسش باقی است. چه کسی به شاه گفت برو؟ شاه چرا نرفت؟

آینه

ایران

«انتصاب ۳ زن به سمت‌های سیاسی و اجرایی در سیستان‌وبلوچستان»

برای نخستین‌بار در سیستان‌وبلوچستان سن زه به سمت‌های سیاسی و اجرایی در سطح معاون استاندار و فرماندار در این استان مرزی منصوب شدند یک منبع آگاه در استانداری سیستان‌وبلوچستان روز شنبه در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: با صدور حکمی از سوی وزیر کشور «زهرا اربابی» به‌سمت معاون توسعه مدیریت و منابع آسانی استاندار سیستان‌وبلوچستان منصوب شد. همچنین در احکام جداگانه دیگر از سوی وزیر کشور و بنا به پیشنهاد استاندار سیستان‌وبلوچستان حمیرا ریگی» به‌عنوان فرماندار شهرستان قصرقد در جنوب استان و «معصومه پرنودوار» به‌عنوان فرماندار شهرستان مرزی هامون در شمال استان سیستان‌وبلوچستان منصوب‌شدند.



سر مقاله: «اقتصاد مقاومتی آری، منازعه‌ای نه!»

محمدعلی وکیلی
ساده‌انگاری است که برخی تصور می‌کنند اقتصاد مقاومتی از طریق دیوار کشنی به دور کشور محقق می‌شود. در جهان کنونی مقاومت اقتصاد به‌دست‌بان با اقتصاد جهانی، به خصوص منطقه، قابل تحقق است. با اقتصاد منزوی و ایزوله نمی‌توان دوام آورد. بستر اقتصاد مقاومتی دیپلماسی عمومی است؛ به این معنا که شرایط کشور به گونه‌ای تصویر شود که زمینه جذب سرمایه‌های خارجی فراهم آید و امکان عقد قراردادهای اقتصادی با منطقه و فرامنطقه ایجاد گردد. ورود هر دلار به کشور و تبدیل آن به سرمایه، بر پایداری اقتصاد می‌افزاید و سرمایه‌گذار خارجی را شریک در اقتدار ملی کشور میزبان می‌نماید؛ هم‌چنانکه قراردادهای اقتصادی با دیگر کشورها ضرب امنیت‌ملی را افزایش می‌دهد، شانس موفقیت تحریم‌ها را کم می‌کند و مرزهای دفاعی ایران را تا مرز کشورهای شریک اقتصادی توسعه می‌دهد. نتیجه اینکه تفسیر ریاضتی و منازعه‌ای و انزواگرانه از اقتصاد مقاومتی، تهدیدات جدی به حساب می‌آیند و لازم است با تفسیر صحیح از این راهبرد اقتصادی، کشور را نجات داد.

کیمیا

سر مقاله: «بی‌ترمز‌ها!»؛ حسین شریعتمداری
آقای ناطق تاکید می‌کنند که هم‌اکنون کشور ما گرفتار تندرو‌ها و بی‌ترمه‌است، بنابراین تعریف مشخصی از تندروی دارند و افراد و جریاناتی را می‌شناسند که به عقیده ایشان برای کشور «بدبختی» و «گرفتاری» را به بار آورده‌اند... باید از حجت‌الاسلام‌المسلمین ناطق‌نسوری پرسید، منظور حضرت‌عالی از «تندروها» و «بی‌ترمه‌هایی که به قول شما برای کشور بدبختی و گرفتاری آفریده‌اند کیست؟! بعدی‌به‌منظر می‌رسد که سران و عوامل فتنه آمریکایی اسرائیلی ۸۸ و پادوهای میدانی آنها مصداق مورنظر جنابعالی باشند، زیرا، به دلایل و نشانه‌های پیش‌گفته، این تلقی پدید آمده است که خواسته یا ناخواسته در قاب سیاسی آنها ظاهر شده‌اید یا – البته‌الله – به خطا، چنین تصویری درباره حضرت‌عالی پدید آمده است. بنابراین باید به فتنه‌گرای و رسانه‌های زنجیر‌دای و حامیان بیرونی آنها حق دادا که نیروهای پاک‌بخته و متعهد نظام و حزب‌الله همیشه پا به راکب اسلام و انقلاب را مصداق اظهارنظر جنابعالی بدانند. جناب ناطق‌احضر‌تعالی و بسیاری از مسوولان و صاحب‌منصبان دیگر، پست و مقام و زندگی آرام و بی‌دغدغه خود را مدیون فاکارگی و پاکبازی کسانی هستید و هستیم که آنان را «تندرو» و «بی‌ترمز» می‌نامید! یا دیگران با استناد به سخن جنابعالی آنها را تندرو و بی‌ترمز می‌نامند! کاش توضیح می‌دادید... و هنوز هم دیر نشده – که منظور شما با آنچه اصحاب فتنه و دشمنان این مرز و بوم از سخن جنابعالی برداشت کرده و در آن می‌دمند متفاوت است.



یادداشت: «لجاجتی که خود علامت خطر است!»؛ محمدجواد اخوان

ملت ایران هنوز فراموش نکرده‌اند که چه کسانی دعوت به راهپیمایی غیر قانونی برای ۲۰خرداد ۱۳۸۸ نمودند که یادآور جنگ مسلحانه ۳۰خرداد ۱۳۶۰ گروhk نفاق بود... پوشیده نیست که چندی است عزم راستی در چنین جریاناتی برای بازگشت به قدرت بدون آنکه اشتباه خود را بپذیرفته و از ملت ایران عذرخواهی گردد مشاهده می‌شود. ممکن است فضای پس از انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم آنان را به این اشتباه حساساتی انداخته باشد که این آرزوی چندساله‌شان به نشانه نزدیک‌تر شده باشد. حال آنکه حقیقتاً چنین نیست. خاتمی و بارانش از سیاست بی‌بهره نیستند و حتی اگر با محاسبات ساده سیاسی نیز به ماجرا بنگرند متوجه خواهند شد که هزینه‌ای که این جریان در اثر استحاله فکری و سیاسی خود از خط اسم‌ آره (ره) و بعد هم آتش‌افروزی در فتنه ۹۲ بر نظام و انقلاب تحمیل نمود بیش از آن است که قابلیت پذیرش مخاطره مجدد را داشته باشد.

بحث امروز

سر مقاله: «خودسوزی وزیر نفت!»؛ مهدی جابری
خودسوزی! این بار نوبت بالاترین مقام یک وزارتخانه بود تا با اظهارات آغشته به بنزین بدنه کارشناسی مجموعه تحت امر خود را به آتش بکشد... زنکته در جلسه شورای اسلامی شهر تهران ضمن زیر سوال‌بردن جدی موضوعی‌های اخیر کارشناسان وزارت نفت اظهار داشت: «بنزین پتروشیمی‌ها... قطعاً آینده و خارج از استاندارد است و در دولت نیز توافق شده است در سال ۹۳ هیچ بنزین دریافتی از پتروشیمی نداشته باشیم و بنزین مورد نیاز را از جاهای دیگر مانند واردات تامین کنیم مگر اینکه شرایط خیلی حاد باشد... اظهارات وزیر نفت در حالی است که در طول کشش‌ماه گذشته، شایعات مربوط به بحرانی و خطرناک‌بودن بنزین پتروشیمی بارها توسط کارشناسان و مدیران وزارت نفت طاعنه ت‌کذیب شده است.

شماره های تماس با موسسه: ۰۶۰-۹۲۵۹۰۸۸۲۰

www.zanjirehomid.ir

